



پذیرش قانون به تنهایی کافی نیست / اخلاق دینی، قانون و وجدان کار

پذیرش قانون به تنهایی کافی نیست؛ بلکه تحکیم مبانی فرهنگی اخلاقی موجب اعتماد متقابل می‌شود و این اعتماد و اطمینان باطنی، جایگزین دغدغه‌های اجرای قانون در جامعه می‌گردد.

پذیرش قانون به تنهایی کافی نیست؛ بلکه تحکیم مبانی فرهنگی اخلاقی موجب اعتماد متقابل می‌شود و این اعتماد و اطمینان باطنی، جایگزین دغدغه‌های اجرای قانون در جامعه می‌گردد.

به گزارش خبرگزاری مهر، دکتر عبدالعزیز بن حمد العبدان استاد دانشگاه در عربستان در مقاله ای تحت عنوان «اخلاق دینی، قانون و وجدان کار» به بررسی اهمیت اخلاق در جامعه و ضرورت تدریس آن در دانشگاه ها می پردازد.

اخلاق باید به عنوان واحد و ماده درسی اجباری در دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها توسط دانشجویان انتخاب شود. این، امری لازم است، ولی کافی نیست. نباید این‌گونه تلقی شود که اخلاق فقط برای تدریس در مراکز و مؤسسات دانشگاهی است؛ بلکه اخلاق اصالت دارد و مبنای ضمانت اجرایی قوانین و مقررات در جامعه است. چنانچه این جایگاه را برای اخلاق در نظر بگیریم، آنچه باعث رشد و پیشرفت مردم - به ویژه نسل‌های آینده - می‌شود، شاخص‌های اخلاقی است که از آموزه‌های الهی و آسمانی نشئت گرفته است.

رعایت حقوق کار و کارگر در جامعه به معیارهای اخلاقی مورد پذیرش جامعه مرتبط است. اصالت اخلاق دینی شامل باید و نبایدهایی است که فقط اخلاق در ادیان آسمانی، به ویژه اسلام، می‌تواند تضمین‌کننده آن باشد. بنابراین وضع قوانین اخلاقی بشری بدون برخورداری از تعالیم و آموزه‌های دینی، موقتی، متزلزل و گذرا است.

اصالت اخلاق دینی، علاوه بر آگاه‌سازی و بیداری وجدان افراد جامعه و مسئولیت‌پذیری آنان، به تحکیم هنجارها و معیارهای اخلاقی و تشریع و قانونمندسازی اصول اخلاقی در جامعه می‌پردازد و هر کس، اعم از کارگر و کارفرما را موظف به رعایت حقوق دیگران و وجدان کار می‌گرداند؛ به طوری که با نهادینه شدن دیدگاه‌های اخلاقی و رفتاری، اجرای قوانین در جامعه با رغبت پذیرفته می‌شود. بنابراین بین دفاع از اصول اخلاق و پایبندی به آنها، تفاوت وجود دارد. به عبارت دیگر، دفاع از یک نظریه و عملی کردن آن، دو مقوله جدا و در عین حال مرتبط با هم است. با این وصف اصول اخلاقی مرجع اساسی رفتار و اعمال انسان تلقی می‌گردد. در صورتی که این اصول در قالب قانون و مقررات تدوین شوند، هم افراد جامعه با رغبت از آن اطاعت می‌کنند.

تجربه به ما نشان داده است که پذیرش قانون به تنهایی کافی نیست؛ بلکه تحکیم مبانی فرهنگی اخلاقی موجب اعتماد متقابل می‌شود و این اعتماد و اطمینان باطنی، جایگزین دغدغه‌های اجرای قانون در جامعه می‌گردد و در حقیقت به ضمانت اجرای قوانین و مقررات و رعایت حقوق متقابل افراد جامعه منجر می‌گردد.

با این وصف احترام به قوانین و مقررات محیط کار نیز بر اساس معیارها و آموزه‌های اخلاقی باعث می‌شود تمام کارگران و کارمندان احساس تعهد بیشتری نمایند و هر گونه نقض قواعد اخلاق در خصوص انجام وظایف و تکالیف مربوط به کار را نفی کنند.

به عبارت روشن‌تر، حتی اعضای یک شرکت ممکن است با در نظر گرفتن منافع و درآمد خود، به طور جدی در اعمال و رفتارشان به وجدان کار اصالت بخشند. لیکن باید بدانیم که قوانین و مقررات وسیله محسوب می‌شوند؛ در حالی که اخلاق و معیارهای آن هدف غایی تلقی می‌گردند و این باعث می‌شود که همه خود را مسئول بدانند و خود را به معیارهای اخلاقی پایبند گردانند.

پایبندی به معیارها و ارزش‌های اخلاقی امری است که قبل از اجرای قوانین از طرف عامه مردم پذیرفته شده است. در این صورت نیکوکاران در عین حال که خود را به معیارهای اخلاقی پایبند می‌دانند، قوانین و مقررات را نیز اجرا می‌کنند.

بسیاری از مردم بین قواعد و اخلاق کاری تفاوتی قائل نیستند و قوانین و مقررات مربوط به کار به عنوان شاخص ارزیابی کیفیت کار، گاهی نتوانسته است به نتایج مطلوبی منجر شود؛ زیرا قبل از هر چیز ارزش‌ها و اولویت‌های هنجاری و ارزش‌های اخلاقی جامعه و نوع نگرش و اندیشه انسان به کار می‌باشد که بازخوانی آنها واجب و ضروری است و شیوه انجام کار و عمل، به علاوه کیفیت عملکرد کارگر و کارفرما، رئیس و کارمند، باید بر اساس معیارها و شاخص‌های آن مورد ارزیابی و سنجش قرار گیرد.

قواعد کار نسبت به قواعد اخلاق امری حادث و اخلاق و معیارهای آن امری قدیم است. به عبارت دیگر، قواعد اخلاق قبل از قواعد کار از منشأ الهی برخوردار بوده است؛ در حالی که قواعد کار قوانینی هستند که با موجودیت کار و کارفرما شکل گرفته است و کارگر و کارمند را موظف می‌کند تا تصمیماتشان را مبتنی بر فرهنگ حاکم بر کار قرار دهند. در اینجا ممکن است مقررات و نظام کارگری و کارفرمایی و به طور کلی رئیس و مرئوسی، زاده تفکر عملگرا و شرایط محیط کار و تجربه و رفتار سازمانی سامان‌دهی شده باشد. لیکن از منظر دیگر در صورتی که معیارها، هنجارها، قوانین و مقررات مربوط به کار عمیقاً از اخلاق کار نشئت گرفته باشد، همواره در محیط اجتماعی و رفتار انسانی حاکم و در قالب سازوکار و قوانین مدون مورد اقبال عمومی مردم در جامعه اجرایی می‌گردد.

بر این اساس مبانی و اصول کار از منبع و مرجعی نشئت می‌گیرد که ماهیت جاودانه دارد. این امر با بهره‌گیری کامل از منابع دینی و ارزش‌های شریعت اسلام؛ به علاوه با تدوین مقررات و قوانین مربوط به کار و رعایت تعهدات و معیارهای اخلاقی دین در این عرصه موجودیت می‌یابد. پرواضح است که ادیان الهی، کارگر و کارفرما را مقید به رفتارهای خیرخواهانه می‌کند و دین مبین اسلام نیز به طور خاص بر شاخص‌های صحیح و معیارهای اخلاقی کار، کارگر و کارفرما صحنه گذاشته و منظور از خیر در فعل و عمل و سلامت کار و کارگر را در تمام زمینه‌ها مشخص کرده است.

اسلام شاخص خیر در کار و عمل فردی و اجتماعی و در هر زمان و مکان ممکن را به وضوح مشخص کرده است. بر این اساس ارزش‌های اخلاقی کار و رفتار کارگر و کارفرما نمی‌تواند بدون اقتناع و رضایت درونی و باطنی آنان و مردم عملی گردد. بنابراین متصف شدن آگاهانه به اخلاق در عرصه کار و عمل در جامعه و بهره‌مندی از وجدان بیدار و با توجه به آموزه‌های قرآن کریم، امری واجب و ضروری است. پیامبر گرامی اسلام در ارتباط با سلامت در کار و عمل، به سلامت کار توصیه کرده‌اند و به طور جدی انسان‌ها را از غش در عمل، فریب‌کاری، تقلب، کلاهبرداری و مواردی از این قبیل بر حذر داشته‌اند و پرهیز از آن را اصل اولیه اخلاقی می‌دانند؛ تا آنجا که پیامبر اکرم می‌فرمایند: «...من غش فلیس منا...».

بنابراین در وهله نخست، انسان باید نظام منشور اخلاقی را در وجود خود نهادینه سازد و با همبستگی همگانی و تغییر و اصلاح نفسانی خود بر اساس شریعت مبارک اسلام و معیارها و شاخص‌های فرهنگی و اخلاقی آن، باورها و اعتقادات ناب باطنی را در چارچوب تدوین قوانین، تشریع و تقنین، عملی سازد.

با این رویکرد اصلاح درون و باطن فرد در جامعه و به طور کلی اصلاح نفسانی بشر (طبق آیه: *إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقُومَ...*) به همبستگی اجتماعی، مهر و دوستی، اعتماد متقابل میان مردم، به ویژه بین کارگر و کارفرما و آرامش خاطر قانون‌گذار، قانون‌پذیر و اصلاح یک امت منجر خواهد شد.

پس تشریع بدون تقویت و مصون‌سازی باورهای دینی و خودسازی و اقبال عمومی افراد جامعه، به تنهایی و در قالب قانون مفید است؛ ولی جامع و مانع نیست. در حقیقت ایمان و اعتقاد راسخ فرد است که می‌تواند ضمانت اجرایی بسیار ارزشمندی برای اجرای قواعد و قوانین اخلاق در جامعه باشد.